

Original Article

Identifying Components Effective on Happy City based on Citizens' Perceived Happiness (Case study: Minoodar Neighborhood, Qazvin)

Fariba Maleki¹ , Zeynab Adeli² , Maliheh Babakhani^{2*} , Sahar Khalaj² 

1. Department of Architecture and Urbanism, Iran University of Science and Technology(IUST), Tehran, Iran.

2. Department of Architecture and Urbanism, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran

Abstract

Introduction: Happiness is increasingly recognized as a key dimension of urban quality of life; however, its translation from policy discourse into practical implementation remains unclear. The decline in social capital and satisfaction indices in Iranian cities suggests that relying solely on the “Happy City” model at the planning level -without assessing citizen perceptions- is insufficient for enhancing quality of life. Therefore, the present study was conducted with the objective of identifying and measuring the effective components of achieving a Happy City in the Minoodar neighborhood of Qazvin. The necessity of this research stems from the lack of indigenous, data-driven models to measure this link.

Materials and Methods: The research is applied in its objective and descriptive-analytical in nature, adopting a correlational and causal approach. The analysis was performed using Structural Equation Modeling (SEM) in SmartPLS. To determine the total sample size, the Cochran formula was initially used, yielding a sample size of 324. Subsequently, to enhance the precision and reliability of the research, the sample size was increased to 383 participants. Data were collected using a researcher-made 51-item questionnaire based on 11 “Happy City” criteria, extracted from theoretical foundations, employing a random cluster sampling method. In this method, the Minoodar neighborhood was first divided into various clusters based on its city blocks, and then samples were randomly selected from each block to complete the questionnaire, proportionally weighted according to each block's population ratio to the neighborhood's total population. This method is particularly suitable when complete and accurate information about all members of the population is unavailable, as it facilitates the collection of representative data from all parts of the community. Subsequently, path analysis was performed between the latent and observed variables in the conceptual model, with the reliability and validity of the data confirmed through Cronbach's Alpha, Composite Reliability, and Average Variance Extracted (AVE).

Results and Discussion: The findings indicate that the Security component played a key and pivotal role in neighborhood happiness. This component exerted its influence both directly (coefficient of 0.618) and indirectly through channels such as social interactions (coefficient of 0.02). Furthermore, the Climatic Comfort component had a significant direct effect on happiness and quality of life directly, with a coefficient of 0.281, suggesting that favorable environmental conditions, access to green space, and appropriate activity density can enhance general well-being and satisfaction with urban life. The Safety component also had a direct effect on neighborhood happiness with a coefficient of 0.149, and the Hygiene component showed a negative effect with a coefficient of -0.255 on residents' perception of neighborhood happiness. In contrast, components such as Spatial Justice, Visual Attractiveness, and Social Interactions, despite their theoretical importance, did not have a direct impact in the study area.

Conclusion: The results demonstrate that citizens' perception of security is closely linked to their economic and livelihood conditions, and ensuring livelihood can lead to the formation of a sense of security and subsequently, urban happiness. This pattern shows that in the specific context of the Minoodar neighborhood, the model places the greatest emphasis on fundamental variables, namely Livelihood, Security, and Climatic Comfort. In other words, the components directly tied to people's basic satisfaction are prerequisites for achieving a Happy City. Accordingly, attaining a Happy City at the neighborhood scale necessitates prioritizing security, livelihood, and climatic comfort before implementing symbolic interventions, followed by focusing on completing supporting infrastructure and socio-physical dimensions.

Keywords: Happiness in City, Urban Quality of Life, Structural Equation Modeling, Happy City

Citation: Maleki, F., Adeli, Z., Babakhani, M., & Khalaj, S. (۲۰۲۶). Identifying the Components Affecting a Happy City Based on Citizens' Perceived Happiness (Case Study: Minoodar Neighborhood, Qazvin). *Sustainable Development of Geographical Environment*. Vol. 8, No. 16, (88- 105). <https://doi.org/10.48308/sdge.2026.240563.1268>

Received: 04/07/2025

Revised: 31/01/2026

Accepted: 31/01/2026

*Corresponding Author's Email: babakhani@arc.ikiu.ac.ir



مقاله پژوهشی

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد بر مبنای شادی ادراک‌شده شهروندان

(مطالعه موردی: محله مینودر قزوین)

فریبا ملکی^۱، زینب عادل^۲، ملیحه باباخانی*^۲، سحر خلیج^۲

۱. گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۲. گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

مقدمه: شادی در شهرها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین کیفیت زندگی در سیاست‌گذاری معاصر شهری مطرح است، اما ترجمه آن از سطح گفت‌وگو به سطح اجرا، هنوز با ابهام روبه‌روست. کاهش سرمایه‌های اجتماعی و افت شاخص‌های رضایت در شهرهای ایران نشان می‌دهد که صرف اتکا به الگوی «شهر شاد» در سطح برنامه‌ریزی، بدون سنجش ادراک شهروندان، برای ارتقای کیفیت زندگی کافی نیست. بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف، شناسایی و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر تحقق شهر شاد در محله مینودر قزوین انجام شد و ضرورت آن از نبود مدل‌های بومی مبتنی بر داده برای سنجش این پیوند ناشی می‌شود.

مواد و روش‌ها: پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی با رویکرد همبستگی و علی است و با مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار SmartPLS اجرا شد. جهت تعیین حجم نمونه کلی، ابتدا از فرمول کوکران استفاده شد که طبق آن تعداد نمونه ۳۲۴ نفر تعیین گردید. سپس، جهت ارتقای دقت و پایایی پژوهش، تعداد نمونه به ۳۸۳ نفر افزایش یافت. بدین ترتیب، داده‌ها به‌وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته ۵۱ گویه‌ای بر پایه ۱۱ معیار شهر شاد، مستخرج از مبانی نظری، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (Cluster Sampling) به‌صورت تصادفی گردآوری شد. در این روش ابتدا محله مینودر به خوشه‌های مختلف بر اساس بلوک‌های آن تقسیم شد و سپس از هر بلوک به‌صورت تصادفی نمونه‌هایی برای تکمیل پرسشنامه با توجه به نسبت جمعیتی هر بلوک بر جمعیت محله، انتخاب شدند. این روش به‌ویژه زمانی که اطلاعات دقیق و کامل از تمام افراد جامعه در دسترس نباشد، مناسب است و امکان جمع‌آوری داده‌ها به‌طور نماینده از تمام بخش‌های جامعه را فراهم نموده است. در ادامه تحلیل مسیر بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌پذیر در الگوی مفهومی انجام گرفت که پایایی و روایی داده‌ها، از طریق آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE تأیید شد.

نتایج و بحث: یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه امنیت نقش کلیدی و محوری در شادی محله ایفا کرده است. این مؤلفه هم به‌صورت مستقیم با ضریب ۰٫۶۱۸ و هم از مسیرهای غیرمستقیم همچون تعاملات اجتماعی و وضعیت معیشتی با ضریب ۰٫۰۰۲، اثر خود را بروز داده است. مؤلفه آسایش اقلیمی نیز با ضریب مستقیم ۰٫۲۸۱ بر نشاط و کیفیت زندگی تأثیر معنادار داشته و نشان می‌دهد که شرایط محیطی مطلوب، دسترسی به فضای سبز و تراکم مناسب فعالیت‌ها نیز می‌تواند احساس خوشایندی و رضایت عمومی از زندگی شهری را ارتقاء بخشد. همچنین مؤلفه ایمنی با ضریب ۱۴۹٫۰ و مؤلفه بهداشت با ضریب ۰٫۲۵۵- بر شادی محله از دید ساکنان، تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که مؤلفه‌هایی چون عدالت فضایی، جذابیت بصری و تعاملات اجتماعی علی‌رغم اهمیت نظری، در زمینه مورد مطالعه تأثیر مستقیمی نداشتند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که درک شهروندان از امنیت در پیوندی تنگاتنگ با شرایط اقتصادی و معیشتی آن‌ها شکل می‌گیرد و تأمین معیشت می‌تواند به شکل‌گیری احساس امنیت و به‌تبع آن، نشاط شهری منجر شود. چنین الگویی نشان می‌دهد که در بافت خاص محله مینودر، بیشترین تأکید را بر متغیرهای بنیادین، نظیر معیشت، امنیت و آسایش اقلیمی دارد. به عبارتی مؤلفه‌هایی که مستقیماً به رضایت‌مندی پایه‌ای مردم گره خورده‌اند، پیش‌نیاز اصلی شکل‌گیری شهر شاد محسوب می‌شوند. بر این اساس، دستیابی به شهر شاد در مقیاس محله‌ای مستلزم اولویت دادن به امنیت، معیشت و آسایش اقلیمی پیش از مداخلات نمادین و سپس تمرکز بر تکمیل زیرساخت‌های حمایتی و ابعاد اجتماعی-کالبدی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: شادی در شهر، کیفیت زندگی شهری، معادلات ساختاری، شهر شاد

استناد: ملکی، ف.، عادل، ز.، باباخانی، م. و خلیج، س. (۱۴۰۵). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد بر مبنای شادی ادراک‌شده شهروندان (مطالعه موردی: محله مینودر قزوین). توسعه پایدار محیط جغرافیایی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار ۱۴۰۵، (۸۸-۱۰۵).

<https://doi.org/10.48308/sdge.2026.240563.1268>

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳

* رایانامه نویسنده مسئول: babakhani@arc.ikiu.ac.ir

مقدمه

در دنیای معاصر که شهرنشینی شتاب گرفته به‌عنوان پدیده‌ای غالب، هویت کالبدی و روانی ساکنان را متأثر ساخته است، ارتقای سطح شادی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی کیفیت محیط، پایداری اجتماعی و حتی سرمایه اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای یافته است (Montgomery, 2013). شادی در شهرها^۱ و محلات یکی از معیارهای نشان‌دهنده‌ی سطح توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود و همین امر، ضرورت توجه به شاخص‌های شهر شاد^۲ را افزایش می‌دهد؛ زیرا امروزه رفاه ذهنی و رضایت از زندگی، در کنار شاخص‌های اقتصادی، به‌عنوان مبنای سیاست‌گذاری شهری شناخته می‌شود (Helliwell et al., 2021).

بحث شادی در مباحث توسعه‌ی پایدار پس از سال ۲۰۰۰ برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها مطرح شد، به این معنا که داشتن جامعه‌ای پایدار و سالم، منوط به وجود شهروندانی سالم و شاد است (Veenhoven, ۲۰۱۷). در این میان، شادی در شهرها با پایداری ارتباط مستقیم دارد و شهرهایی که در پی تحقق پایداری هستند، باید اولویت خود را بر شهرهای شاد، شادی ساکنان، عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت محیطی متمرکز سازند (Carmen et al., 2010). در همین راستا «شهر شاد» به‌عنوان پارادایمی نوین در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، بر پایه دیدگاه مونته‌گمری (۲۰۱۳) مطرح شد که فرض می‌گیرد؛ می‌توان با سازمان‌دهی آگاهانه‌ی شکل شهر، نظام حرکت، کاربری زمین و کیفیت فضاهای عمومی، به ارتقای بهزیستی ذهنی، سلامت روان، حس تعلق و رضایت از زندگی شهروندان دست یافت (Mouratidis, 2021). شادی در سطح روان‌شناختی، تجربه‌ای فردی و فرامکانی است و به‌خودی‌خود «شهری» یا «غیرشهری» نمی‌شود. آنچه از آن با عنوان «شادی شهری» یاد می‌شود، مجموعه‌ای از شرایط، فرصت‌ها و محرک‌هایی است که نظام فضایی و خدماتی شهر برای بروز و تداوم این تجربه فراهم می‌کند (Kytta et al., 2۰۱۶). بر این اساس، «شادی شهری» نه احساسی جدید، بلکه سطحی تحلیلی برای بررسی ظرفیت شهر در تولید و پشتیبانی از شادی است که با رویکردهای معاصر به سنجش رفاه و کیفیت زندگی شهری همسو است و منجر به ایجاد شهر شاد می‌گردد (OECD, 2024). در این صورت «شهر شاد» وضعیتی است که در آن، این شرایط به‌صورت نظام‌مند، عادلانه و پایدار در مقیاس کل شهر تأمین و نهادینه می‌شوند و در طراحی فضاهای عمومی، شبکه‌ی خدمات و سیاست‌های شهری به‌طور یکپارچه بازتاب می‌یابند (Gehl, 2011).

مطالعات جهانی نشان می‌دهد جوامعی که از سطح بالای رضایت‌مندی و شادی برخوردارند، انسجام اجتماعی، مشارکت شهروندی و سلامت روانی بیشتری دارند (Veenhoven, 2017). بر اساس شاخص جهانی شادی^۳ در سال ۲۰۱۸، ایران در جایگاه ۱۰۸ از میان ۱۵۵ کشور قرار داشته است (United Nations, 2018) و طبق گزارش جهانی شادی در سال ۲۰۲۵، با امتیاز ۵٫۱ در رتبه ۹۹ جهان قرار گرفته است (World Happiness Report, 2025). با این حال، شهرهای ایران به‌رغم برخورداری از زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی غنی، با کاستی‌هایی در کیفیت فضاهای شهری و تحقق مفاهیمی همچون شهر شاد مواجه‌اند. این جایگاه گرچه نسبت به سال‌های گذشته بهبود یافته است، اما همچنان بیانگر فاصله‌ی قابل توجه کشور با سطح مطلوب شادی شهری است. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی آن است که اگرچه مفهوم «شهر شاد» در سطح نظری و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته، اما در سطح محلی و خرد، به‌ویژه در محلات شهری، شناخت دقیقی از عوامل مؤثر بر تجربه‌ی شادی شهروندان وجود ندارد. نبود ارزیابی‌های بومی از مؤلفه‌های شادی شهری موجب شده است تا سیاست‌گذاری‌ها اغلب بدون اتکا به داده‌های واقعی و متناسب با زمینه‌های فرهنگی و فضایی هر شهر انجام گیرد. این کاستی، شکاف اصلی میان چارچوب‌های هنجاری شهر شاد و تجربه‌ی زیسته‌ی شهروندان را شکل می‌دهد. از این رو، ضرورت دارد پژوهش‌های داخلی مؤلفه‌های مؤثر بر شادی شهری

^۱Urban Happiness / Subjective Well-Being in Cities

^۲Happy City

^۳World Happiness Report

را در جهت نیل به شهر شاد، در مقیاس‌های خرد و به‌ویژه در سطح محلات شهری، شناسایی و تحلیل کنند تا سیاست‌گذاران و مدیران شهری بتوانند بر اساس داده‌های واقعی و بومی، برای ارتقای شادی شهروندان برنامه‌ریزی نمایند.

چارلز مونتگمری در کتاب تأثیرگذار خود «شهر شاد» با تکیه بر دیدگاه‌های فیلسوفان، روان‌شناسان، متخصصان اعصاب و اقتصاددانان، چارچوبی برای ساخت شهری ارائه می‌دهد که پس از تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، امنیت و سرپناه، به حداکثرسازی شادی ساکنان بپردازد. او معتقد است که شهر باید مردم را به سوی سلامت روان و جسم هدایت کند، آزادی واقعی برای تحقق آرزوهایشان فراهم آورد، در برابر بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی انعطاف‌پذیر باشد، عدالت فضایی را رعایت کند، بستر تقویت ارتباطات اجتماعی را مهیا کند و با گشودن درهای همدلی، مردم را در مقابله با چالش‌های زندگی توانمند سازد (Samavati, 2022). نمونه‌ای از اجرای عملی این دیدگاه را می‌توان در اقدامات پنالسو، شهردار بوگوتا، مشاهده کرد که در واکنش به افزایش خودکشی‌ها، وعده شادی عمومی را مطرح کرد و با شعار «شهر شاد» به چهره‌ای پیشرو در عرصه جهانی تبدیل شد (Mouszadeh, & Mohammadi, 2018). همچنین در مطالعات بین‌المللی، پژوهش‌های گوناگونی بر ابعاد متفاوت شادی شهری تمرکز کرده‌اند. شایما مقدی^۴ در مطالعه خود، با ارائه یک مدل برنامه‌ریزی تطبیقی، ساخت شهرهایی شاد، سالم و انعطاف‌پذیر را هدف قرار داده است (Magdi, 2022). باکاوا و همکاران^۵ نیز شاخص‌هایی مانند هوشمندی، پایداری زیست‌محیطی و دیجیتال‌سازی را به‌عنوان ابعاد کلیدی شهر شاد مطرح کرده‌اند (Bakawa et.al, 2022). آناند و جین^۶ در مطالعه‌ای در بیکانر هند، نشان داده‌اند که تقویت تعاملات اجتماعی و میراث فرهنگی می‌تواند در افزایش شادی شهروندان مؤثر باشد (Anand & Jain, 2023). شی و همکاران^۷ در چین، با معرفی مفهوم «رودخانه شاد»، وضعیت کیفی رودخانه‌ها را به‌عنوان بخشی از تجربه زیسته شادی شهری تحلیل کرده‌اند (Xi et.al, 2023). پاراشار و لاکرا^۸ در عربستان سعودی، دیدگاه دانشجویان معماری درباره شهر شاد در افق ۲۰۳۰ را بررسی و نقش سیاست‌های ملی و فرهنگی را در این راستا برجسته کرده‌اند (Parashar, & Lakra, 2022). در نهایت، کاستلی و همکاران^۹ در شهرهای اروپایی با تحلیل داده‌های پنجمین نظرسنجی کیفیت زندگی، نتیجه گرفتند که وجود امکانات رفاهی، امنیت و حس تعلق اجتماعی، از عوامل مهم در رضایت از زندگی شهری و شکل‌گیری یک شهر شاد هستند (Castelli et.al, 2023).

در ایران نیز پژوهش‌های متعددی درباره ابعاد مختلف شهر شاد انجام شده است. در پژوهشی با عنوان «ارزیابی و تحلیل مؤلفه‌های شهر شاد در شهرهای دارای سابقه مصیبت عظیم در شهر بم» با رویکرد توصیفی-تحلیلی نشان دادند که بخش قابل‌توجهی از شهروندان احساس شادی پایینی دارند و از وضعیت فضاهای سبز، امکانات ورزشی و فرصت‌های فراغتی ناراضی‌اند (Shahbazi et.al, 2020). علاوه بر این در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (مورد پژوهی: شهر بابل)» با بهره‌گیری از روش دلفی فازی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، عامل مدیریتی را مهم‌ترین مؤلفه در شکل‌گیری شهر شاد دانستند و پس از آن، عوامل اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در رتبه‌های بعدی قرار دادند (HasanAlizadeh et.al, 2024). پژوهشی در همدان با عنوان «بررسی عوامل اثرگذار در ایجاد شهر شاد» نیز بر نقش مؤلفه‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی در افزایش سطح شادی شهروندان تأکید داشت (Reza Ali et.al, 2021). همچنین در مطالعه‌ای با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر دستیابی به شهر شاد در کلانشهر شیراز» نتایج نشان دهنده آن است که مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی بیشترین نقش را در

۴Bakaeva et.al

۵Anand & Jain

۶Xi et.al

۷Parashar & Lakra

۸Castelli et.al

شکل‌گیری شهر شاد در شیراز، ایفا می‌کنند. هرچند سطح شادی شهر تنها اندکی بالاتر از میانگین بود (Zangiabadi & Mirzaei, 2020).

همچنین اورکی در پژوهش خود با عنوان «تحلیل فضایی عوامل مؤثر بر شهر شاد از نگاه شهروندان در شهر یزد» با تحلیل فضایی سطح شادی از دید شهروندان، رابطه مستقیمی میان دسترسی به فضاهای شهری و ابعاد اجتماعی با میزان شادی یافتند و در عین حال، متغیرهایی مانند اشتغال و سن را بی‌تأثیر دانستند (Orki et.al, 2019). در مطالعه دیگری با عنوان «تحلیل جغرافیایی نقش مکان بر احساس نشاط شهروندان اهواز» بر اساس شهر شاد با استفاده از پرسشنامه استاندارد شادکامی آکسفورد، نشان دادند که محله‌هایی با فضاهای نشاط‌آفرین مانند شهرک نفت و کیانپارس نسبت به محله‌های فرسوده و حاشیه‌ای سطح شادی بالاتری دارند (Sajjadian & Daman Bagh, 2021). در شهر مشهد نیز پژوهشی با عنوان «ابعاد و راهبردهای شهر شاد در محله‌های مشهد» در مقایسه دو محله طبرسی و محله فارغ‌التحصیلان، دریافتند که تنها مؤلفه کالبدی در محله جدید، وضعیت نسبتاً مطلوبی دارد و سایر مؤلفه‌ها در هر دو محله ضعیف ارزیابی شده‌اند. همچنین متغیرهایی چون درآمد، مالکیت مسکن، اشتغال و تأهل با شادی رابطه معناداری نشان دادند (Noorian et.al, 2020). در دیگر پژوهش‌های داخلی نیز اعم از «نقش تأثیر مؤلفه‌های طراحی شهری بر ارتقا کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهرستان قائمشهر)» نیز بر نقش طراحی شهری در ارتقاء کیفیت زندگی و شادی شهروندان تأکید دارد و معتقد است کیفیت زندگی علاوه بر جنبه‌های کالبدی، شامل ابعاد روانی مانند امنیت، رضایت و شادمانی نیز می‌شود (Alizadeh paen Afrakti, 2021).

این مجموعه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شهر شاد مفهومی چندبعدی و پیچیده است که تحقق آن نیازمند توجه هم‌زمان به ابعاد کالبدی، اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی است. در این میان، مکان‌یابی عادلانه، ارتقای سرمایه اجتماعی، بهبود کیفیت فضاهای عمومی و مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، از جمله عوامل کلیدی در دستیابی به شهری شاد و پویا به شمار می‌آیند. همچنین مطالعات متعددی در حوزه شهر شاد تلاش کرده‌اند چارچوب‌های مفهومی و مدل‌هایی را ارائه دهند که با تمرکز بر ابعاد مختلف شهری، مؤلفه‌های مؤثر بر شادی شهروندان را تبیین کنند. این مدل‌ها بر اساس رویکردهای متفاوتی از طراحی فضایی و کالبدی گرفته تا عوامل اجتماعی، روانی و مدیریتی شکل گرفته‌اند. هدف اصلی این مدل‌ها، درک سازوکارهای پیچیده ایجاد محیط شهری شاد و فراهم کردن چارچوبی کاربردی برای برنامه‌ریزی و طراحی شهرهای معاصر است که به شرح شکل (۱)، نشان داده شده است؛ بنابراین در پژوهش حاضر، «شهر شاد» به‌منزله‌ی یک چارچوب‌هنجاری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری که هدف آن ایجاد بسترهای شادی‌آفرین در شهر است و «شادی شهری» به‌عنوان تجربه‌ی ادراک‌شده و سنجش‌پذیر شهروندان از کیفیت زندگی، وسیله و ابزار سنجش شهر شاد مورد استفاده قرار گرفته است. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با تکیه بر ادبیات نظری «شهر شاد» به‌عنوان چارچوب مفهومی، شادی شهری را در مقیاس محله، با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ عملیاتی و اندازه‌گیری می‌کند تا مؤلفه‌های شهری مؤثر بر آن مشخص شوند. هدف اصلی آن است که میزان اثرگذاری هر یک از ابعاد مؤثر بر شهر شاد از طریق شادی شهروندان مورد سنجش قرار گرفته و شناسایی گردد. بدین منظور میدان مطالعه، محله‌ی مینودر قزوین، به‌عنوان یکی از نمونه‌بافت‌های شهری برنامه‌ریزی‌شده و دارای زیرساخت‌های نسبی توسعه شهری، بستری مناسب برای بررسی نقش و تأثیر مؤلفه‌های گوناگون بر حس شادی ساکنان محسوب می‌شود که امکان آزمون تجربی رابطه‌ی میان الزامات هنجاری و ادراک شهروندان را فراهم می‌آورد. بر این بنیان نظری، سؤال اصلی پژوهش چنین است: در مقیاس محله، کدام مؤلفه‌های شهر شاد بیشترین سهم را در تبیین شادی شهری دارند و سازوکار اثرگذاری آن‌ها چگونه خواهد بود؟

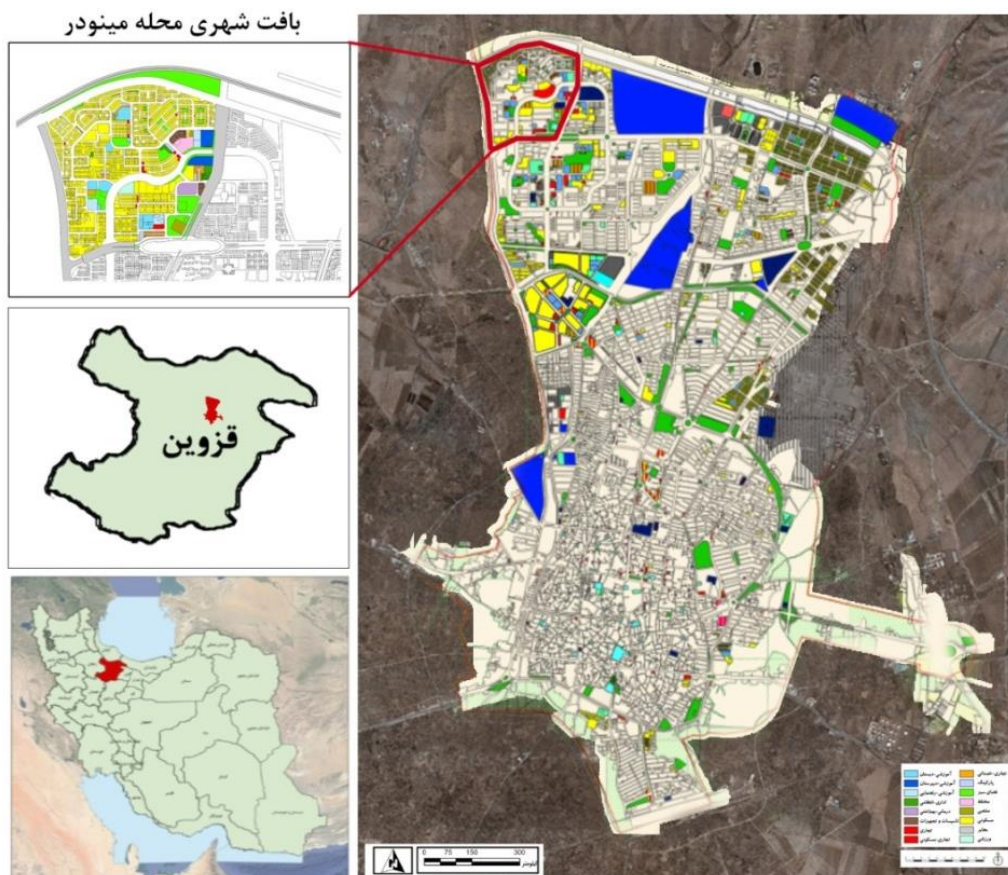
^۱Structural Equation Modeling

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

شهر قزوین مرکز شهرستان قزوین است. طبق آخرین اطلاعات طرح جامع و سرشماری‌ها، جمعیت شهر قزوین در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۴۲'۰۰۰ نفر است که بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۴، حدود ۳۷'۲۵۲ نفر افزایش یافته است. شهر قزوین یکی از شهرهای میان‌مقیاس ایران با هسته‌ای تاریخی و لایه‌های توسعه‌یافته‌ی معاصر است که در دهه‌های اخیر، هم‌زمان با روند بازآرایی بافت‌های قدیمی و گسترش نواحی جدید، الگوهای فضایی-کالبدی متکثر را تجربه کرده است. قزوین تا پایان دوره‌ی پهلوی اول (۱۳۲۰ خورشیدی)، دارای ۱۷ محله بود که محله «مینودر» در حاشیه‌ی شمال‌غربی قزوین (منطقه ۳، ناحیه ۱۹) قرار دارد و حاصل توسعه‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ی دهه‌های اخیر است.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت محله مینودر ۲۵۰۶ نفر می‌باشد (Iran statistical center, 2016). ساختار کالبدی آن با خیابان‌بندی شطرنجی، سلسله‌مراتب معابر و قطعات سازمان‌یافته، نمونه‌ای از بافت‌های جدید طراحی‌شده به شمار می‌رود؛ الگویی که خوانایی فضایی، دسترسی سواره و ایمنی ترافیکی را تقویت می‌کند و استقرار کاربری‌های خدماتی ناحیه‌ای و تأسیسات آموزشی رسمی را امکان‌پذیر می‌سازد. با این حال، ترکیب جمعیتی غالب کارگری-کارمندی و سکونت در مجتمع‌های آپارتمانی میان‌تراکم، به رفتار «خوابگاهی» محله دامن زده است؛ بسیاری از ساکنان برای کار و خدمات روزانه به بیرون از محله رفت‌وآمد می‌کنند که نتیجه‌ی آن، کاهش تماس‌های چهره‌به‌چهره و تضعیف تعاملات همسایگی و تعلق مکانی است. بدین ترتیب، مسیر بهبود در محله مینودر نه صرفاً از طریق توسعه کالبدی بیشتر، بلکه با «اجتماعی‌سازی» کالبد موجود می‌گذرد که شکاف میان نظم کالبدی و حیات اجتماعی را پر کرده تا زمینه تحقق متوازن‌تر مؤلفه‌های «شهر شاد» را فراهم می‌سازد.



شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در استان و شهرستان (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی با رویکرد همبستگی و علی است که از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، به تحلیل ساختار روابط میان مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد می‌پردازد. هدف پژوهش، شناسایی شاخص‌های مؤثر بر شادی شهرها و سنجش میزان اثرگذاری این شاخص‌ها بر سطح ادراک‌شده‌ی شادی شهروندان در محله مینودر شهر قزوین بوده است. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده گردید که گویه‌های آن بر اساس نتایج حاصل از مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش تنظیم شده است. نتیجه این مرحله، شناسایی ۴ بُعد، ۱۱ معیار و ۵۱ گویه مؤثر بر مفهوم شهر شاد بوده است که منجر به شناسایی ابعاد و شاخص‌های شهر شاد و درنهایت طراحی پرسشنامه‌ای با استفاده از مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، گردید. جامعه آماری تحقیق، ساکنان محله مینودر شهر قزوین هستند که به‌عنوان یکی از نمونه‌های بافت شهری برنامه‌ریزی‌شده انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به کل جمعیت محله مینودر، برابر با ۳۲۴ نفر تعیین شد که جهت اطمینان و ارتقای پایایی پژوهش ۳۸۳ نفر از جمعیت محله مینودر به روش خوشه‌ای به‌صورت تصادفی نمونه‌گیری شد. در این روش ابتدا محله مینودر به خوشه‌های مختلف بر اساس بلوک‌های آن تقسیم شد و سپس از هر بلوک به‌صورت تصادفی نمونه‌هایی برای تکمیل پرسشنامه با توجه به نسبت جمعیتی هر بلوک بر جمعیت محله، انتخاب شدند. این روش به‌ویژه زمانی که اطلاعات دقیق و کامل از تمام افراد جامعه در دسترس نباشد، مناسب است و امکان جمع‌آوری داده‌ها به‌طور نماینده از تمام بخش‌های جامعه را فراهم نموده است. سپس، با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار SmartPLS، تحلیل مسیر بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌پذیر در الگوی مفهومی انجام گرفت. همچنین، به‌منظور ارزیابی پایایی مدل ساختاری، از شاخص‌های آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و جهت روایی همگرا از میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) استفاده شد. این روش به پژوهشگر امکان داده است تا ضمن بررسی روابط مستقیم و غیرمستقیم میان مؤلفه‌ها، نقش نسبی هر بعد در تبیین ساختار شهر شاد در نمونه مورد مطالعه را تحلیل و نمودار ابعاد و شاخص‌های شهر شاد را اعتبارسنجی کند. با توجه به اینکه ادبیات نظری پژوهش بیشتر بر مدل‌های «شهر شاد» تأکید دارد، در مرحله عملیاتی‌سازی، این ابعاد به گویه‌هایی تبدیل شدند که ادراک ساکنان از امنیت، دسترسی، کیفیت محیط، تعاملات اجتماعی، آسایش اقلیمی و... را می‌سنجند؛ بنابراین، داده‌های حاصل، سطح شهر شاد را غیرمستقیم و از مسیر شادی شهری ادراک‌شده و تجربه زیسته افراد بازنمایی می‌کنند.

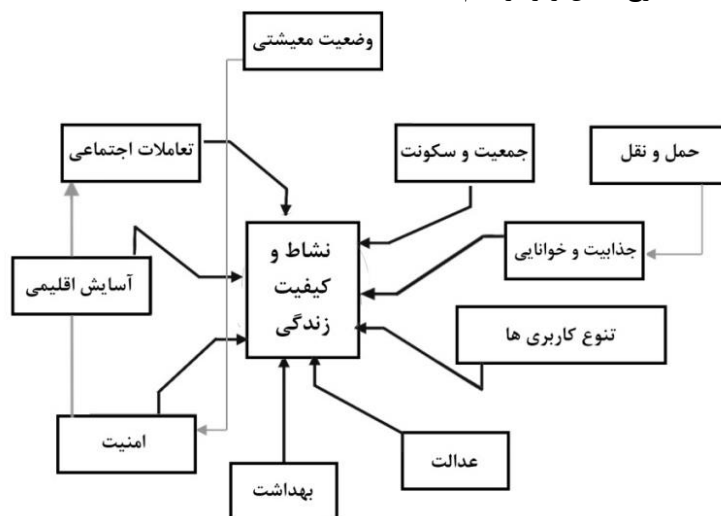
جدول ۱. استخراج ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر بر شهر شاد (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

بُعد	معیار	گویه‌های پژوهش	مآخذ (مرجع مرتبط)
کلیدی عملکردی	ایمنی	وجود مکان‌های عمومی و امن/ محصوریت و القای حس امنیت در فضاهای شهری	Montgomery (2013), Gehl (2010), Jacobs (1961) رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰)
	حمل‌ونقل و دسترسی	مسیر مخصوص دوچرخه/ وضعیت حمل‌ونقل عمومی/ تفکیک سواره از پیاده/ مسیرهای جذاب برای پیاده‌رو/ دسترسی به کاربری‌های موردنیاز/ کیفیت کف‌سازی در مسیر حرکتی	Peñalosa (2013), Gehl (2010), Rabani & Kianpour (۱۳۸۶), Litman (2009), رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)
	جذابیت و خوانایی	استفاده از عناصر و المان‌های شهری/ جداره‌های زیبا/ عناصر هویت‌بخش شهر/ انعطاف‌پذیری فضاهای شهری/ آلودگی یا عدم آلودگی منظر شهر	Montgomery (2013), Okinawa & Himmelberger (2010), Gehl (۲۰۱۳)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، Jacobs (۱۹۶۱)
	تنوع کاربری	نقاط مکث در مسیر پیاده‌رو/ سرانه فضای سبز و اوقات فراغت/ کاربری‌های جاذب جمعیت/ جداره‌های فعال در ساعات مختلف	Montgomery (2013), Jacobs (1961), Alexander (۱۹۷۷), Carmona et al. (2010)، رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)

بُعد	معیار	گویه‌های پژوهش	مآخذ (مرجع مرتبط)
اجتماعی	امنیت	وقوع جرم و جنایت/ میزان حضور زنان و کودکان در شهر/ میزان نظارت و کنترل اجتماعی/ حضورپذیری فضاهای شهری	Peñalosa (2013), Montgomery (2013), رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)، عبدالله‌پور (۱۳۹۸)
	عدالت	دسترسی عادلانه همه اقشار به حقوق شهروندی / استفاده فضاهای شهری توسط تمام گروه‌های سنی و جنسی	Happy City (2015), Haller & Hadler (2006), Jacobs (1961), رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۰)، فاضلی (۱۳۹۲)
	کیفیت زندگی	سلامت روحی و جسمی / میزان آموزش همگانی / میزان رضایتمندی از زندگی	Montgomery (2013), WHO (2017), Haller & Hadler (2006) رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)، محمدنیا (۱۳۹۸)
اقتصادی	تعاملات اجتماعی	مکان‌هایی برای تعاملات شهروندان / میزان مشارکت عمومی/حس تعلق ساکنین به فضای شهری/ برنامه‌های جمعی و اجتماعی/ NGOها	Montgomery (2013), Happy City (2015), محمدی (۱۳۹۷)، فاضلی (۱۳۹۲)، عبدالله‌پور (۱۳۹۸)
	وضعیت معیشتی	درآمد ساکنین/ توانایی در پس‌انداز/ میزان اطمینان از سرمایه‌گذاری / تراکم بالای فعالیت‌های سود ده	رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)، ماجدی و نهایی زاده (۱۳۸۵)، عبدالله‌پور (۱۳۹۸)، Haller & Hadler (2006)، Veenhoven (2000)
	زیست‌محیطی	آسایش اقلیمی	پوشش گیاهی در سطح شهر/ تناسب پوشش گیاهی با اقلیم شهر/ حضور عناصر طبیعی در فضا سازی شهر
	بهداشت	میزان آلودگی هوا/ میزان آلودگی صوتی/ وضعیت جمع‌آوری زباله و فاضلاب	رضوانی و منصوریان (۱۳۸۷)، پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) WHO (۲۰۱۷)، Jacobs (1961), Montgomery (2013)

نتایج و بحث

در پژوهش حاضر «شهر شاد» به‌عنوان چارچوب هنجاری و برنامه‌ریزی مدنظر است؛ یعنی مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ساختارهای فضایی و مداخلات شهری که هدفشان افزایش تجربه شادی در شهر است؛ اما در سطح عملی و سنجش، امکان اندازه‌گیری مستقیم «شهر شاد» وجود ندارد؛ بنابراین، متغیر «شادی شهری» به‌صورت تجربه زیسته و ادراک‌شده توسط ساکنان، به‌عنوان نماینده تجربی این مفهوم به کار رفته است. این تمایز باعث می‌شود بتوانیم مؤلفه‌های نظری شهر شاد را در قالب شاخص‌های قابل سنجش در سطح محله مینودر آزمون کنیم. بدین ترتیب این شاخص‌ها، در قالب ۱۱ مؤلفه اصلی شامل ایمنی، امنیت، حمل‌ونقل و دسترسی، امنیت، عدالت فضایی، جذابیت و خوانایی، آسایش اقلیمی، بهداشت، تعاملات اجتماعی، وضعیت معیشتی و نهایتاً نشاط و کیفیت زندگی دسته‌بندی شدند؛ که ارتباط هر یک از آن‌ها با اتکا به مبانی نظری و پیشینه‌های مورد بررسی، به صورت مفروضات پژوهش به شکل مدل مفهومی اولیه به شرح شکل زیر ترسیم شده است.



شکل ۲. مدل مفهومی ارتباطات مؤلفه‌های شهر شاد (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

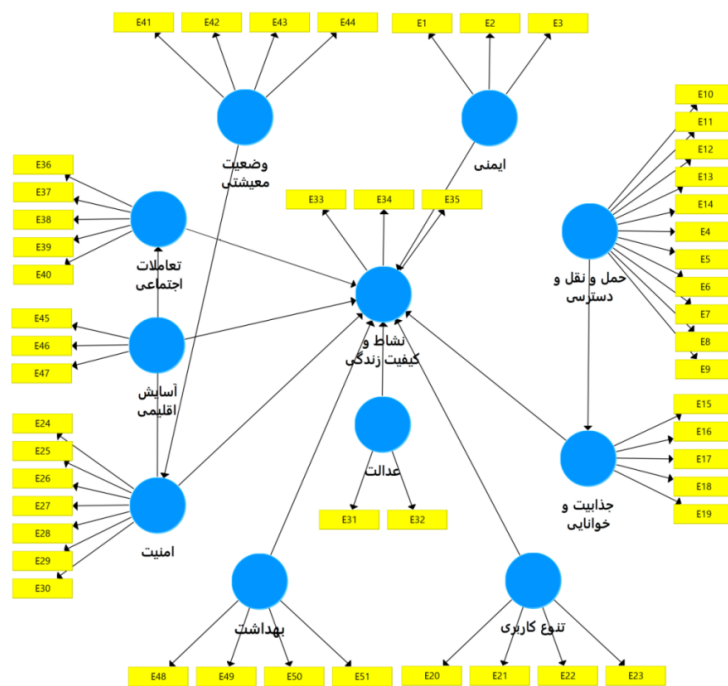
شناسایی این مؤلفه‌ها گامی مهم در درک مفهومی شادی شهری به شمار می‌آید، اما برای بررسی میزان تأثیر واقعی این مؤلفه‌ها و روابط میان آن‌ها، لازم است مدل مفهومی اولیه (مدل نظری) وارد مرحله تحلیلی و تجربی شود. در این راستا، محله مینودر شهر قزوین که از جمله محلات با بافت برنامه‌ریزی‌شده، زیرساخت‌های مناسب و ویژگی‌های کالبدی نسبتاً مطلوب محسوب می‌شود، به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. این محله بستر مناسبی برای بررسی مدل نظری ارائه‌شده در عمل فراهم می‌کند، چراکه به‌ظاهر از بسیاری از مؤلفه‌های شهری برخوردار است، اما لزوماً به معنای تحقق احساس شادی و رضایت در میان ساکنان آن نیست. از این‌رو، هدف اصلی این مرحله از پژوهش، ارزیابی میزان ارتباط میان مؤلفه‌های شهر شاد با تأکید بر وضعیت خاص محله مینودر از طریق تجربه زیسته افراد در این محله و تبیین ساختار روابط میان آن‌هاست. برای دستیابی به این هدف، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با بهره‌گیری از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. این روش، از طریق تحلیل مسیر، امکان آن را فراهم می‌سازد که شدت، جهت و ساختار روابط میان متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی در مدل مفهومی به‌طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد.

با اتکا به مفروضات ترسیم شده در شکل (۲)، مدل نظری اولیه شامل ۱۱ مؤلفه و ۵۱ گویه پرسشنامه در محله مینودر شهر قزوین طراحی شد. این مدل، بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، با هدف سنجش روابط علی میان مؤلفه‌های کلیدی شهر شاد تدوین شده است که در شکل (۳) مدل نظری حاصل از تحلیل اولیه در نرم‌افزار Smart PLS آمده است. این نمودار، تصویری از نقش‌ها و تعاملات بین مؤلفه‌ها را در قالب یک مدل اندازه‌گیری در محله مینودر ترسیم می‌کند.

بر اساس ابعاد و شاخص‌های شناسایی شده که مستخرج از مبانی نظری و پیشینه پژوهش است؛ نشاط و کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته اصلی مدل شناخته شده است که از سایر مؤلفه‌ها تأثیر می‌پذیرد. در مقابل، مؤلفه‌هایی مانند ایمنی، حمل‌ونقل و دسترسی، تنوع کاربری، عدالت فضایی، بهداشت، آسایش اقلیمی و وضعیت معیشتی به عنوان متغیرهای مستقل ایفای نقش می‌کنند. علاوه بر این، مؤلفه‌های امنیت و جذابیت و خوانایی دارای نقش دوگانه (هم وابسته و هم مستقل) هستند؛ به‌طوری‌که خود از برخی متغیرها تأثیر می‌گیرند و بر برخی دیگر اثرگذارند. همچنین، تعاملات اجتماعی به عنوان یک متغیر میانجی در نظر گرفته شده است که از مؤلفه امنیت تأثیر می‌پذیرد و بر متغیر وابسته اصلی، یعنی نشاط و کیفیت زندگی، اثرگذار است. به منظور دسته‌بندی و شفاف‌سازی نقش هر یک از مؤلفه‌ها، جدول (۲) ارائه شده است:

جدول ۲. معرفی انواع متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته در پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

متغیر	نوع
ایمنی	مستقل
حمل‌ونقل و دسترسی	مستقل
جذابیت و خوانایی	مستقل و وابسته
تنوع کاربری	مستقل
امنیت	مستقل و وابسته
عدالت	مستقل
نشاط و کیفیت زندگی	وابسته اصلی
تعاملات اجتماعی	میانجی
وضعیت معیشتی	مستقل
آسایش اقلیمی	مستقل
بهداشت	مستقل



شکل ۳. مدل نظری حاصل از مؤلفه‌های شهر شاد در مدل اندازه‌گیری محله مینودر (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

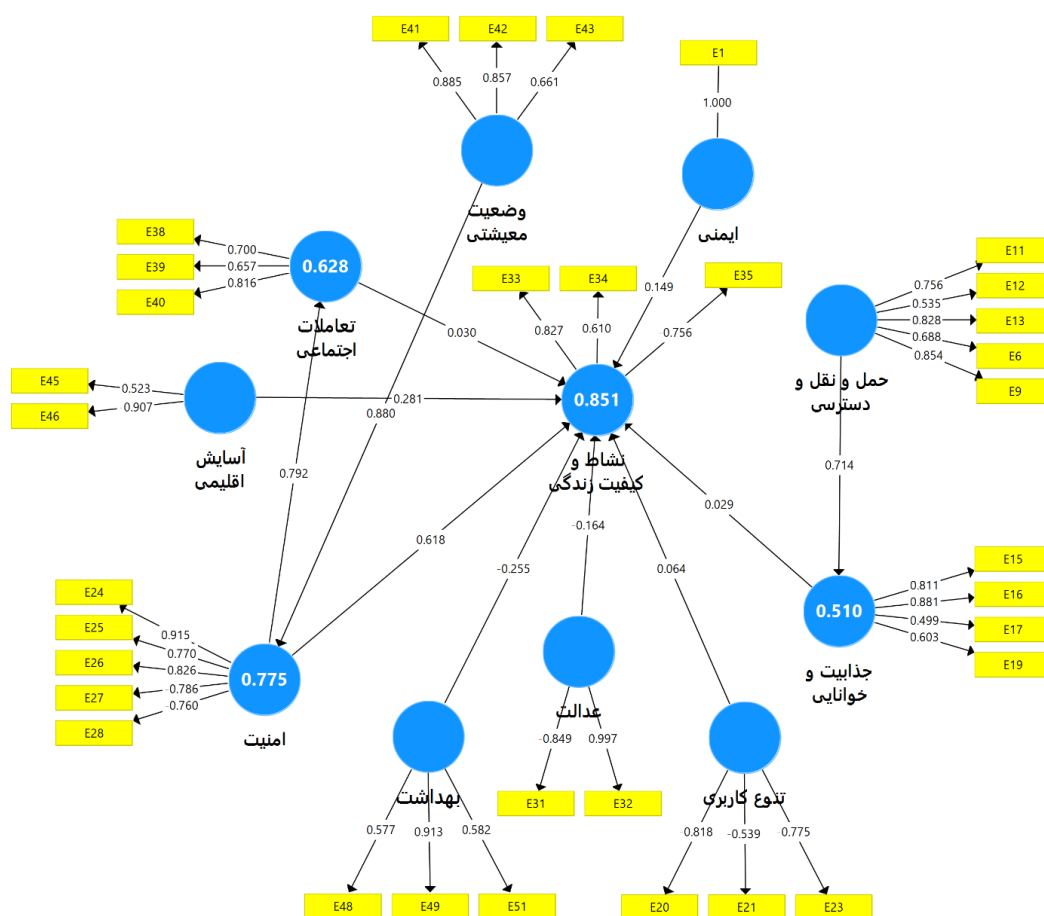
• برازش مدل اندازه‌گیری (روایی شاخص‌ها و ضرایب مسیر- اعتبار همگرایی و پایایی)

پایایی شاخص‌های شهر شاد در مدل نظری اجرا شده، با استفاده از سه ضریب اعم از ضرایب بارهای عاملی و رگرسیونی، ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بهره گرفته می‌شود. بار عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که مقدار قابل قبول برای آن مقدار برابر و یا بیشتر از ۰,۴ می‌باشد. این امر مؤید این مطالب است که واریانس بین سازه‌ها و مؤلفه‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است؛ بنابراین در مدل نظری اجرا شده پس از حذف بارهای عاملی کمتر از ۰,۴ مدل تجربی پژوهش به همراه ضرایب رگرسیونی به شرح شکل (۴) و جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. ضرایب تعیین، بارهای عاملی قابل قبول در پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

مؤلفه‌های پژوهش	عنوان گویه	شاخص‌های پژوهش	بار عاملی	ضرایب رگرسیونی ضرایب تعیین
ایمنی	E1	امنیت مکان‌های عمومی	۱,۰۰۰	۰,۱۴۹
	E24	وجود کاربری‌های فعال در شبانه‌روز	۰,۹۱۵	
	E25	تردد سارقان و افراد شرور در محله	۰,۷۷۰	
	E26	وقوع جرایم مانند دزدی، مصرف مواد و... در محله	۰,۸۲۶	۰,۷۷۵
امنیت	E27	امنیت زنان و کودکان در شبانه‌روز برای حضور در محله	-۰,۷۸۶	۰,۶۳۶
	E28	میزان حضور زنان و کودکان در محله	-۰,۷۶۰	
	E11	کفایت و دسترسی به مراکز درمانی و امکانات بهداشتی	۰,۷۵۶	
	E12	کفایت و دسترسی به فضای آموزشی محله	۰,۵۳۵	
حمل و نقل و دسترسی	E13	کفایت و دسترسی به مراکز خرید و خدماتی	۰,۸۲۸	۰,۷۱۴
	E6	دسترسی به حمل و نقل عمومی (مترو، برت و...)	۰,۶۸۸	
	E9	مسیرهای پیاده‌روی جذاب و سرزنده	۰,۸۵۴	
	E15	اسفالت خیابان‌های محله	۰,۸۱۱	
جذابیت و خوانایی	E16	میزان استفاده از امان‌های شهر قزوین در محله	۰,۸۸۱	۰,۵۱۰
	E17	میزان استفاده هنر شهری در جداره محلات	۰,۴۹۹	۰,۰۲۹
	E19	میزان وجود فضای چند عملکردی در محله	۰,۶۰۳	

مؤلفه‌های پژوهش	عنوان گویه	شاخص‌های پژوهش	بار عاملی	ضرایب رگرسیونی ضرایب تعیین
تنوع کاربری	E23	میزان وجود کاربری‌های جاذب جمعیت در محله	-۰,۷۷۵	۰,۰۶۴
	E21	میزان وجود نقاط مکث مانند پاتوق‌ها در مسیر پیاده	-۰,۵۳۹	
	E20	جهت‌یابی با علایم و نشانه‌ها در محله	-۰,۸۱۸	
بهداشت	E48	مناظر طبیعی در محله	۰,۵۷۷	-۰,۲۵۵
	E49	میزان آلودگی هوا در محله	۰,۹۱۳	
	E51	نحوه جمع‌آوری زباله در محله	۰,۵۸۲	
آسایش اقلیمی	E45	تراکم بالای فعالیت‌های سود ده	۰,۵۲۳	۰,۲۸۱
	E46	میزان رضایت از فضای سبز و پارک در محله	-۰,۹۰۷	
	E31	مقدار حضور و مشارکت شهروندان در بهبود عملکرد	-۰,۸۴۹	
عدالت	E32	میزان آگاهی شهروندان به حقوق شهروندی خود	۰,۹۹۷	-۰,۱۶۴
	E38	میزان مشارکت عمومی در محله	۰,۷۰۰	
	E39	چقدر به فضای محله خود وابسته هستید	۰,۶۵۷	
تعاملات اجتماعی	E40	وجود برنامه‌های جمعی و اجتماعی	۰,۸۱۶	۰,۰۳۰
	E41	وجود NGOها در محله	۰,۸۸۵	
	E42	میزان رضایت از درآمد با توجه به مایحتاج زندگی	۰,۸۵۷	
وضعیت معیشتی	E43	چقدر از درآمد خود را می‌توانید پس‌انداز کنید	۰,۶۶۱	۰,۸۸۰
	E33	استفاده فضاهای شهری توسط گروه‌های سنی	۰,۸۲۷	
	E34	سلامت روحی و جسمانی شهروندان	۰,۶۱۰	
نشاط و کیفیت زندگی	E35	آموزش همگانی در محله	-۰,۷۵۶	-۰,۸۵۱
	E35			



شکل ۴. ارتباط میان مؤلفه‌های شهر شاد در محله مینودر (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

با توجه به آنچه گفته شد؛ مبنای پذیرش برای بارهای عاملی، مقدار ۰,۴ برابر و بیشتر در نظر گرفته شد. بر همین اساس، ۱۷ شاخص که بار عاملی کمتر از ۰,۴ داشتند، از مدل نهایی حذف شدند تا از بروز خطای اندازه‌گیری و تضعیف قدرت تبیین مدل جلوگیری شود. این اقدام در جهت ارتقاء دقت مدل و حفظ روایی سازه‌ها صورت گرفت. پس از پالایش شاخص‌ها، نتایج مدل اندازه‌گیری نشان داد که اغلب شاخص‌های باقی‌مانده، بارهای عاملی مناسبی دارند و از پایایی قابل قبولی برخوردارند. برای نمونه، متغیر «امنیت» با بار عاملی بسیار بالا برای شاخص‌هایی نظیر «وجود کاربری‌های فعال در شبانه‌روز» (۰,۹۱۵) و «وقوع جرایم» (۰,۸۲۶)، بیانگر آن است که این مؤلفه نقش معناداری در ادراک شهروندان از شهر شاد ایفا می‌کند. همچنین، مؤلفه‌هایی چون «حمل‌ونقل و دسترسی» و «وضعیت معیشتی» نیز با ضرایب رگرسیونی بالا (به ترتیب ۰,۷۱۴ و ۰,۸۸۰)، تأثیر قابل توجهی در تبیین ساختار کلی مدل مفهومی شهر شاد دارند. از سوی دیگر، برخی مؤلفه‌ها نظیر «جذابیت و خوانایی» و «تعاملات اجتماعی» با ضرایب رگرسیونی پایین‌تر (به ترتیب ۰,۰۲۹ و ۰,۰۳۰) نشان می‌دهند که سهم آن‌ها در تبیین شادی شهروندان در محله مینودر نسبت به سایر مؤلفه‌ها کمتر است. نکته قابل تأمل، ضریب تعیین بالا برای برخی مؤلفه‌ها مانند «نشاط و کیفیت زندگی» (۰,۸۵۱) و «تعاملات اجتماعی» (۰,۶۲۸) است که بیانگر قدرت تبیین بالای این ابعاد در مدل نهایی است، حتی اگر ضریب رگرسیونی آن‌ها پایین باشد. این موضوع می‌تواند حاکی از وجود روابط غیرمستقیم یا تأثیر متغیرهای میانجی در ساختار مدل باشد. در مجموع، نتایج تحلیل مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که ساختار نظری تحقیق از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است. ضرایب بارهای عاملی برای اکثر شاخص‌ها بالاتر از حداقل معیار ۰,۴ بوده و شاخص‌های پایایی نیز مدل را تأیید می‌کنند. این یافته‌ها اعتبار الگوی مفهومی طراحی شده را در تحلیل شادی شهری در محله مینودر تقویت می‌نماید و زمینه را برای تفسیر روابط ساختاری میان متغیرهای پنهان در بخش بعدی فراهم می‌سازد.

در ادامه پایایی ترکیبی و اعتبار همگرایی مدل مورد سنجش قرار گرفته است. بدین منظور مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰,۷ نشان دهنده پایایی قابل قبول در الگوی ساختاری می‌باشد؛ اما برای کسب نتایج دقیق‌تر از عاملی با عنوان پایایی ترکیبی (Composite Reliability) استفاده می‌شود. برتری این روش نسبت به آلفای کرونباخ در محاسبه پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه بر اساس همبستگی سازه‌ها با یکدیگر می‌باشد. مقدار مناسب برای پایایی ترکیبی در حالت ایده آل بالاتر از ۰,۷ می‌باشد. همچنین جهت روایی شاخص‌ها با بهره‌گیری از معیار مقدار واریانس استخراج شده (AVE) که همبستگی درونی و همسویی شاخص‌های یک عامل را نمایش می‌دهد، استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از مدل انجام شده در پژوهش حاضر، معیارهای شهر شاد در محله مینودر دارای واریانس استخراج شده بیشتر از ۰,۵ و در بازه قابل قبولی قرار دارند. همچنین با توجه به آن‌که پایایی ترکیبی باید بیش از ۰,۷ باشد، سایر متغیرهای پژوهش دارای پایایی ترکیبی قابل قبولی می‌باشند و تأیید می‌گردد. نتایج به شرح جدول زیر آمده است.

جدول ۴. نتایج پایایی و روایی همگرا در عوامل مدل ساختاری (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

مؤلفه‌های شهر شاد	Cronbach's Alpha	Composite Reliability	Average Variance Extracted (AVE)
آسایش اقلیمی	۰,۶۵۹-	۰,۷۳۵	۰,۵۴۸
امنیت	۰,۷۴۴-	۰,۸۵۴	۰,۶۶۲
ایمنی	۱	۱	۱
بهداشت	۰,۵۵۸	۰,۷۴۱	۰,۵۰۱
تعاملات اجتماعی	۰,۵۸۲	۰,۷۷۱	۰,۵۳
تنوع کاربری	۰,۵۸	۰,۷۵۹	۰,۵۱۹
جذابیت و خوانایی	۰,۶۸۵	۰,۸	۰,۵۱۱
حمل‌ونقل و دسترسی	۰,۷۸۶	۰,۸۵۶	۰,۵۴۹
عدالت	۰,۲۰۵-	۰,۰۷۱	۰,۸۵۷
نشاط و کیفیت زندگی	۰,۳۳-	۰,۷۵۶	۰,۵۴۲
وضعیت معیشتی	۰,۷۲۵	۰,۸۴۷	۰,۶۵۲

• برازش مدل ساختاری (مقادیر معناداری t-values و p-values - ضریب تعیین)

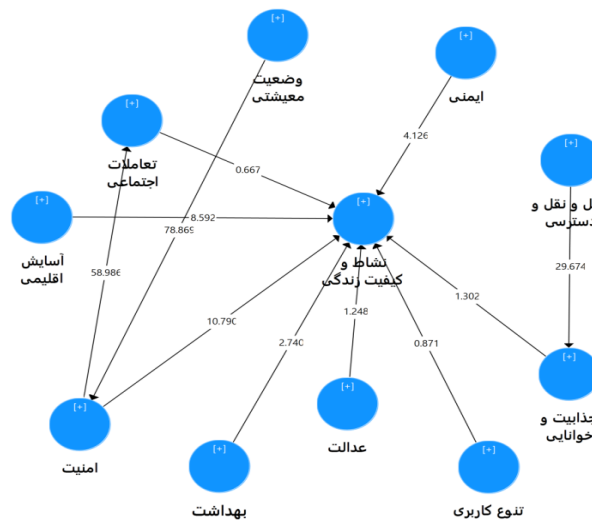
برازش مدل ساختاری برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری که به بررسی متغیرهای آشکار می‌پردازد، در مدل ساختاری متغیرهای پنهان و روابط میان آن‌ها برازش می‌گردد. جهت برازش مدل ساختاری از معیار ضرایب معناداری t-values و p-values استفاده گردید.

اولین و اساسی‌ترین معیارهای سنجش در مدل ساختاری مقادیر t-values و p-values است که مقادیر t-values باید از ۱٫۹۶ بیشتر باشد و بیانگر صحت رابطه بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید مفروضات در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. همچنین مقادیر کمتر از ۰٫۰۵ برای p-values نشانگر معنادار بودن رابطه است. جدول (۵) مقادیر قابل قبول p-values و در شکل (۴) مقادیر برای ارزیابی بخشی مدل به‌عنوان مقادیر t-values نشان داده شده است.

نتایج حاکی از آن است که فرضیه‌های ارتباط موجود در بین مؤلفه‌های شهر شاد که در مدل نظری اولیه ترسیم شد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، برخی معنادار و برخی دیگر معنادار نبوده‌اند؛ اما از آنجاکه عدم ارتباط بین دو مؤلفه به نوبه خود نوعی آورده به حساب می‌آید، این نتایج نیز در جای خود حائز اهمیت بوده‌اند. چراکه عدم وجود ارتباط بین دو مؤلفه، به اندازه فهم وجود ارتباط بین مؤلفه‌ها می‌تواند در برنامه‌ریزی مؤلفه‌های شهر شاد در محله مینودر، نقش مهمی داشته باشد. بدین ترتیب؛ فرضیه وجود ارتباط بین دو معیار آسایش اقلیمی و نشاط و کیفیت زندگی، ارتباط بین امنیت و تعاملات اجتماعی، امنیت و نشاط و کیفیت زندگی، ایمنی و نشاط و کیفیت زندگی، بهداشت و کیفیت زندگی، حمل‌ونقل و دسترسی و جذابیت و خوانایی، وضعیت معیشتی و امنیت و ارتباط مؤثر بین آسایش اقلیمی و نشاط و کیفیت زندگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد با داشتن سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۵ و مقدار t-values بیشتر از ۱٫۹۶ تأیید و صحت برقراری ارتباط آن‌ها در سازه مورد قبول واقع می‌گردد. به گونه‌ای که به‌عنوان مثال بر اساس این مفروضات می‌توان تأیید کرد که در محله مینودر آسایش اقلیمی بر نشاط و کیفیت زندگی محله در ایجاد شهری شاد در این محله تأثیرگذار می‌باشد؛ اما در نقطه مقابل ارتباطات بین تعاملات اجتماعی با نشاط و کیفیت زندگی، تنوع کاربری و نشاط و کیفیت زندگی، جذابیت و خوانایی و نشاط و کیفیت زندگی و عدالت و نشاط و کیفیت زندگی با توجه به مقادیر t-values و p-values برقرار نمی‌باشند و فرضیه تحقیق از وجود ارتباط بین این معیارها رد می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت به‌عنوان مثال؛ برای ایجاد شهر شاد در محله مینودر بین تنوع کاربری‌ها و نشاط و کیفیت زندگی ارتباطی وجود ندارد و در آن تأثیرگذار نخواهد بود. در ادامه با توجه به جدول (۵) مفروضات رد شده و فرضیه‌های مورد قبول، مشخص شده است که نشان از عدم ارتباط یا وجود ارتباط بین مؤلفه‌ها بوده است؛ بنابراین برازش مدل ساختاری از نظر معناداری مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۵. مقادیر آماره p-values برای مدل پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

فرضیه‌های پژوهش	Standard Deviation (STDEV)	T Statistics (O/STDEV)	P Values	آزمون فرضیه
آسایش اقلیمی - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۳۳	۸٫۵۹۲	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه
امنیت - تعاملات اجتماعی	۰٫۰۱۳	۵۸٫۹۸۶	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه
امنیت - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۵۷	۱۰٫۷۹	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه
ایمنی - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۳۶	۴٫۱۲۶	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه
بهداشت - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۹۳	۲٫۷۴	۰٫۰۰۶	تأیید فرضیه
تعاملات اجتماعی - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۴۴	۰٫۶۶۷	۰٫۵۰۵	رد فرضیه
تنوع کاربری - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۷۳	۰٫۸۷۱	۰٫۳۸۴	رد فرضیه
جذابیت و خوانایی - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۰۲۲	۱٫۳۰۲	۰٫۱۹۳	رد فرضیه
حمل‌ونقل و دسترسی - جذابیت و خوانایی	۰٫۰۲۴	۲۹٫۶۷۴	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه
عدالت - نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۱۳۱	۱٫۲۴۸	۰٫۲۱۳	رد فرضیه
وضعیت معیشتی - امنیت	۰٫۰۱۱	۷۸٫۸۶۹	۰٫۰۰۰	تأیید فرضیه



شکل ۵. ضرایب معناداری t-value در مدل ساختاری پژوهش در محله مینودر (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

جهت اتصال دو بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری از معیار ضریب تعیین در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌گردد که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد. مقدار این معیار میزان تأثیر متغیرهای برون‌زا و درون‌زا را نمایش می‌دهد که هر چه به یک نزدیک‌تر و بیشتر یا برابر با ۰٫۶۷ باشد؛ نشان از ارتباط و اثرگذاری قوی بر مدل است. هاینر و همکاران (۲۰۱۹) سه مقدار ۰٫۱۹، ۰٫۳۳ و ۰٫۶۷ را به ترتیب مقادیر ضعیف، متوسط و قوی تعیین کرده‌اند. از آنجا که مؤلفه‌های درون‌زا در مدل مفهومی شکل (۲) مربوط به چهار مؤلفه امنیت، جذابیت و خوانایی، تعاملات اجتماعی و نشاط و کیفیت زندگی می‌باشد، بنابراین نتایج حاصل از ضرایب تعیین مؤلفه‌های درون‌زا به شرح جدول (۶) ارائه شده است که در حد مطلوبی قرار دارند. بدین ترتیب دو عامل جذابیت و خوانایی و تعاملات اجتماعی دارای قدرت متوسط و دو عامل امنیت و نشاط و کیفیت زندگی دارای تأثیر قوی بر مدل می‌باشند. به گونه‌ای که ۰٫۸۵۱ درصد از تغییرات در محله مینودر برای ایجاد شهر شاد متأثر از معیار نشاط و کیفیت زندگی می‌باشد. هرچه این مقدار نزدیک به یک باشد دقت مدل و دقت پیش‌بینی بالا بوده است.

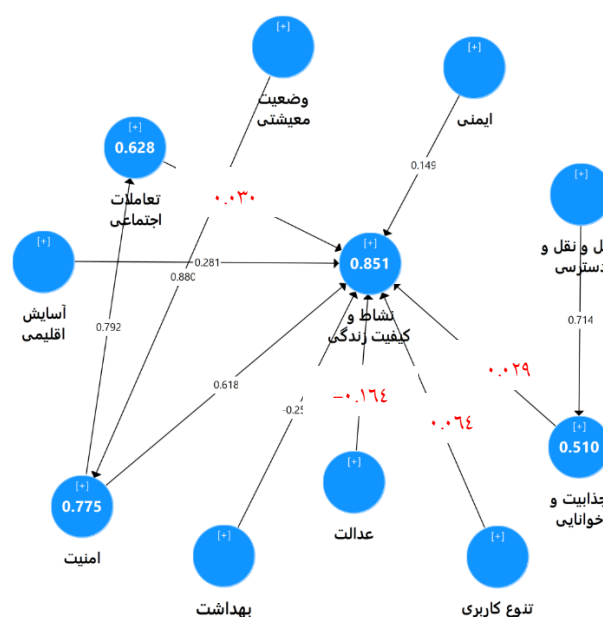
جدول ۶. نتایج ضرایب تعیین مؤلفه‌های مدل پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

مؤلفه	ضرایب تعیین	قدرت R ^۲
امنیت	۰٫۷۷۵	قوی
جذابیت و خوانایی	۰٫۵۱۰	متوسط
تعاملات اجتماعی	۰٫۶۲۸	متوسط
نشاط و کیفیت زندگی	۰٫۸۵۱	قوی

• بررسی مجموع اثرات و فرضیه‌های پژوهش در مدل تجربی

در تحلیل مدل ساختاری پژوهش، تمرکز بر بررسی روابط میان سازه‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق است که با استفاده از تحلیل مسیر و بر مبنای مدل معادلات ساختاری صورت گرفته است. بر اساس نتایج، تمامی روابط مفروض در مدل نظری به‌صورت معنادار در محله مینودر تأیید نشدند و تنها بخشی از آن‌ها واجد معناداری آماری بوده‌اند. این موضوع به خوبی گویای آن است که علی‌رغم جامعیت نظری مدل اولیه، در زمینه‌ی تجربی و در بافت مشخص این محله، برخی از مسیرهای پیش‌بینی‌شده نتوانسته‌اند عملکرد قانع‌کننده‌ای از خود نشان دهند که خود دستاوردی مؤثر تلقی می‌شود. بدین ترتیب بر اساس نتایج حاصل از مدل، از میان تمامی سازه‌ها، مؤلفه امنیت نقش کلیدی و محوری در مدل ایفا کرده است. این مؤلفه هم به‌صورت مستقیم بر نشاط و کیفیت زندگی اثرگذار بوده و هم از مسیرهای غیرمستقیم، همچون تعاملات

اجتماعی، اثر خود را بروز داده است؛ هرچند در مسیر غیرمستقیم نقش میانجی تعاملات اجتماعی در ارتباط امنیت با کیفیت زندگی، به دلیل فقدان معناداری آماری در رابطه بین تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی، حذف شده است. با این حال، اثر مستقیم امنیت بر نشاط با ضریب ۰,۶۱۸، به خوبی اهمیت این متغیر را در شکل دهی به درک مثبت شهروندان از کیفیت زندگی و شادی در محله مینودر نشان می‌دهد. افزون بر آن، امنیت خود تحت تأثیر متغیر وضعیت معیشتی قرار دارد که با ضریب تأثیر قوی ۰,۸۸۰ نه تنها مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده امنیت محسوب می‌شود، بلکه بالاترین اثر کل را در کل مدل دارد. این رابطه تأکید می‌کند که درک شهروندان از امنیت در پیوندی تنگاتنگ با شرایط اقتصادی و معیشتی آن‌ها شکل می‌گیرد و تأمین معیشت می‌تواند به شکل‌گیری احساس امنیت و به تبع آن، نشاط شهری منجر شود. همچنین مؤلفه آسایش اقلیمی نیز با ضریب مستقیم ۰,۲۸۱ بر نشاط و کیفیت زندگی تأثیر معنادار داشته و نشان می‌دهد که شرایط محیطی مطلوب، دسترسی به فضای سبز و تراکم مناسب فعالیت‌ها نیز می‌تواند احساس خوشایندی و رضایت عمومی از زندگی شهری را ارتقاء بخشد. همچنین مؤلفه ایمنی نیز در مدل نهایی اثر مستقیمی با ضریب ۰,۱۴۹ بر نشاط و کیفیت زندگی دارد که گرچه نسبت به سایر مسیرها ضعیف‌تر است، اما بازهم بیانگر اهمیت زیرساخت‌های ایمن در ارتقاء احساس شادی در محیط شهری است. در مقابل، برخی مسیرها که در مدل نظری پیش‌بینی شده بودند، به دلیل عدم تأیید آماری، از مدل حذف شده‌اند. به‌طور خاص، مسیر مستقیم جذابیت و خوانایی بر کیفیت زندگی که به لحاظ نظری انتظار می‌رفت از اهمیت بالایی برخوردار باشد، در سطح معناداری بالاتر از ۰,۰۵، قرار گرفت و تأثیر آن رد شد. به همین ترتیب، مؤلفه‌های عدالت، تعاملات اجتماعی و تنوع کاربری نیز تأثیری بر سازه کیفیت زندگی نداشته‌اند. این مسئله حاکی از آن است که در زمینه تجربی این تحقیق، عناصر مرتبط با مشارکت اجتماعی، نشانه‌های شهری یا تنوع عملکردی فضاها، به‌تنهایی نتوانسته‌اند احساس شادی یا کیفیت زندگی را تبیین کنند. این امر می‌تواند ناشی از ضعف در کارکردهای اجرایی این مؤلفه‌ها در بافت مورد مطالعه یا عدم اولویت آن‌ها نزد ساکنان باشد. نکته قابل توجه دیگر، رابطه منفی و معنادار میان مؤلفه بهداشت و نشاط و کیفیت زندگی است. این ارتباط با ضریب منفی ۰,۲۵۵ نشان می‌دهد که وضعیت بهداشتی و زیست‌محیطی محله ممکن است نه تنها نتوانسته به بهبود کیفیت زندگی کمک کند، بلکه با اثرگذاری منفی، مانعی برای ارتقاء آن بوده است. این یافته می‌تواند نشانه‌ای از چالش‌های موجود در حوزه‌هایی مانند جمع‌آوری پسماند، آلودگی هوا یا نبود مناظر طبیعی کافی در این محله باشد. بدین ترتیب ارتباطات معنادار در شکل (۶) به رنگ مشکی و فرضیاتی که معنادار نبوده‌اند، به رنگ قرمز در مدل تجربی نمایش داده شده است.



شکل ۶. مدل تجربی مؤلفه‌های شهر شاد از طریق ادراک شادی شهروندان در محله مینودر

در نهایت، آنچه از جمع‌بندی اثرات مستقیم و غیرمستقیم برمی‌آید، این است که مدل ساختاری پژوهش بیشترین تأکید را بر متغیرهای بنیادین، نظیر معیشت، امنیت و آسایش اقلیمی دارد. بدین ترتیب متغیرهای وضعیت معیشتی، امنیت و حمل‌ونقل و دسترسی با اثر غیرمستقیم خود به ترتیب با ضریب اثر کل ۰,۸۸، ۰,۷۹ و ۰,۷۱ بیشترین تأثیرگذاری را در مدل داشته‌اند. پس از آن مؤلفه‌های امنیت (۰,۶۴)، آسایش اقلیمی (۰,۲۸۱)، بهداشت و ایمنی با تأثیر مستقیمی که بر شادی محله داشته‌اند، بیشترین اهمیت را در ایجاد شادی و رضایت ساکنان داشته‌اند. چنین الگویی نشان می‌دهد که در بافت خاص محله مینودر، مؤلفه‌هایی که مستقیماً به رضایت‌مندی پایه‌ای مردم گره خورده‌اند، پیش‌نیاز اصلی شکل‌گیری شهر شاد محسوب می‌شوند؛ بنابراین، برای سیاست‌گذاری شهری در راستای افزایش شادی و کیفیت زندگی، تمرکز بر بهبود مؤلفه‌های زیرساختی، امنیتی و معیشتی باید در اولویت قرار گیرد. بارهای عاملی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کلی در مدل ساختاری به شرح جدول (۷) ذکر شده است.

جدول ۷. مجموع اثرات بین متغیرها از منظر ارتباطات مستقیم، غیرمستقیم و کل (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۴)

رابطه دو متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
آسایش اقلیمی <---	۰,۲۸۱	۰,۰۰	۰,۲۸۱
امنیت <---	۰,۷۹۲	۰,۰۰	۰,۷۹۲
امنیت <---	۰,۶۱۸	۰,۰۳۰*۰,۷۹۲	۰,۶۴۱
ایمنی <---	۰,۱۴۹	۰,۰۰	۰,۱۴۹
بهداشت <---	-۰,۲۵۵	۰,۰۰	-۰,۲۵۵
حمل‌ونقل و دسترسی <---	۰,۷۱۴	۰,۰۰	۰,۷۱۴
وضعیت معیشتی <---	۰,۸۸۰	۰,۰۰	۰,۸۸۰

نتیجه‌گیری

با اتکا به یافته‌های این پژوهش و در نظر گرفتن وضعیت کنونی شهر قزوین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مفهوم «شهر شاد» هنوز جایگاه بایسته خود را در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری این شهر نیافته است. درحالی‌که قزوین از ظرفیت‌های محیطی، تاریخی و اجتماعی مناسبی برخوردار است، اما رویکردهای نوین مبتنی بر ارتقاء شادی و کیفیت زندگی شهروندان در برنامه‌ریزی‌های رسمی آن انعکاس چندانی نداشته‌اند. پژوهش حاضر با تمرکز بر محله مینودر، تلاش کرد تا نخست مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر مفهوم شهر شاد را با اتکا به مبانی نظری و مطالعات تجربی شناسایی کند و سپس با استفاده از تجربه زیسته ساکنان محله مینودر از شادی در شهرها، با استفاده از مدل معادلات ساختاری، میزان اثرگذاری آن‌ها را در زمینه‌ای واقعی مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج نشان داد که مؤلفه‌هایی چون امنیت، وضعیت معیشتی و آسایش اقلیمی دارای بیشترین اثرگذاری بر ادراک شادی و کیفیت زندگی هستند، درحالی‌که مؤلفه‌هایی چون عدالت فضایی، جذابیت بصری و تعاملات اجتماعی علی‌رغم اهمیت نظری، در زمینه مورد مطالعه تأثیر مستقیمی نداشتند. این تفاوت میان نظریه و واقعیت مداخله‌گر، تأکیدی بر ضرورت تدوین سیاست‌هایی محله‌محور و زمینه‌بنیاد برای ارتقاء شادی شهری دارد. به‌گونه‌ای که درک مفهوم «شهر شاد» در بستر واقعی محلات شهری همچون مینودر، تابعی از تلفیق عوامل اجتماعی، محیطی و اقتصادی است. بدین ترتیب بر اساس تحلیل مسیر و ضرایب تعیین، مشخص شد که متغیرهای نشاط و کیفیت زندگی با ضریب تعیین ۰,۸۵۱ و امنیت با ضریب ۰,۷۷۵ بیشترین قابلیت تبیین را در مدل داشته‌اند که بر اهمیت مرکزی این دو سازه در ادراک شادی شهروندان دلالت دارد. همچنین اثرگذاری ارتباطات بین متغیرهای وضعیت معیشتی و امنیت با ضریب تأثیر ۰,۸۸۰ و امنیت و نشاط و کیفیت زندگی با ضریب کل ۰,۶۴۱، از جمله قوی‌ترین روابط معنادار مدل بوده‌اند که نشان می‌دهد بنیان‌های اقتصادی و احساس امنیت، ستون‌های اصلی تحقق شادی در سطح محله‌ای هستند. در مقابل، برخی روابط نظری همچون تأثیر مستقیم تعاملات اجتماعی، عدالت فضایی و جذابیت و خوانایی بر نشاط شهری، در آزمون تجربی مدل در این محله

معنادار نبوده‌اند. این مسئله به‌ویژه در مورد شهر قزوین نمود بیشتری دارد، چراکه علیرغم داشتن ظرفیت‌های کالبدی و محیطی مناسب، تاکنون به‌صورت جدی و تخصصی به مقوله شادی شهری توجه نشده است. از سوی دیگر، تحلیل مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم، نقش مهم متغیرهای واسطه‌ای مانند امنیت را آشکار کرد. برای مثال، وضعیت معیشتی اگرچه مستقیماً بر نشاط تأثیر نداشت، اما با اثرگذاری بر امنیت، به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت زندگی تأثیرگذار بود. به‌این‌ترتیب، تقویت متغیرهایی همچون وضعیت معیشتی، آسایش اقلیمی، ایمنی و زیرساخت‌های محیطی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء پایدار شادی شهری باشد. این امر گویای آن است که صرف طراحی کالبدی و تنظیم نقشه‌های شهری، بدون درک عمیق از زندگی روزمره، روابط اجتماعی و نیازهای واقعی ساکنان، نمی‌تواند منجر به تولید فضاهای شاد و باکیفیت شود. تقویت احساس امنیت، بهبود شرایط معیشتی، ارتقاء تعاملات اجتماعی و فراهم‌سازی محیط‌های با نشاط، از جمله راهبردهایی هستند که می‌توانند در سطح محله، بسترهای شکل‌گیری شهر شاد را فراهم آورند. این نتایج می‌تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های توسعه محله‌محور و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر ارتقاء کیفیت زندگی در شهرهایی همچون قزوین باشد؛ شهری که در صورت بهره‌گیری از راهبردهای مشارکتی و بومی‌شده، ظرفیت‌های بالقوه بسیاری برای تبدیل شدن به الگویی از شهر شاد در مقیاس ملی دارد.

سیاسگزاری: مقاله حاضر برگرفته از تحقیق گروهی می‌باشد. بدین‌وسیله از همکاری مشارکت‌کنندگان در این مقاله که سهم مؤثری در جمع‌آوری داده‌ها داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود. **حامی مالی:** بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است. **سهم نویسندگان در پژوهش:** همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند. **تضاد منافع:** نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

References

- Alizadeh Paean Afrakti, Z., & Abdi, R. (2021). The effect of urban design components on improving the quality of life (Case study: Qaimshahr City). *9th National Conference on Civil Engineering, Architecture and Sustainable Urban Development of Iran*, Tehran. <https://civilica.com/doc/1434451> **(In Persian)**
- Anand, S., & Jain, R. (2023). Social interaction and cultural heritage as determinants of urban happiness: A study of Bikaner, India. *Journal of Urban Studies*, 45(2), 112–129.
- Bakawa, D., Smith, J., & Liu, Y. (2022). Smart and sustainable cities: A digital perspective on urban happiness. *Urban Futures*, 18(3), 205–222.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). *Public places – urban spaces: The dimensions of urban design*. Routledge.
- Castelli, F., Moretti, A., & Novak, L. (2023). Well-being and urban happiness in European cities: Evidence from the fifth quality of life survey. *European Journal of Urban Affairs*, 29(1), 66–84.
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: Using public space*. Island Press. <https://archive.org/details/lifebetweenbuild0000gehl>
- HasanAlizadeh, M., Ahadnejad Roshti, M., & Meshkini, A. (2024). Identifying the factors affecting the happy city (Case study: Babol City). *Welfare Planning and Social Development*, 15(58), 421–469. <https://doi.org/10.22054/qjisd.2023.67984.2360> **(In Persian)**
- Iran Statistical Center. (2016). *General population and housing census results*. Tehran: Statistical Center of Iran. **(In Persian)**
- Helliwell, J. F., Layard, R., Sachs, J., & De Neve, J.-E. (Eds.). (2021). *World happiness report 2021*. Sustainable Development Solutions Network. <https://worldhappiness.report/ed/2021/>
- Kyttä, M., Broberg, A., Haybatollahi, M., & Schmidt-Thomé, K. (2016). Urban happiness: Context-sensitive study of the social sustainability of urban settings. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 43(1), 34–57. <https://doi.org/10.1177/0265813515600121>
- Magdi, S. A. (2022). Towards a resilient city: An adaptive planning model for a healthy and happy city. *MSA Engineering Journal*. <https://doi.org/10.21608/msaeng.2022.273858>

- Montgomery, C. (2013). *Happy city: Transforming our lives through urban design*. Farrar, Straus and Giroux.
- Montgomery, C. (2016). *Happy city* (Updated edition). Farrar, Straus and Giroux.
- Mouratidis, K. (2021). Urban planning and quality of life: A review of pathways linking the built environment to subjective well-being. *Cities*, 115, 103229. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103229>
- Mouszadeh, A., & Mohammadi, M. (2018). Identifying the effective factors on improving the quality of happiness in urban space using the principles of the happy city approach (Case study: Chaharbagh Abbasi Street, Isfahan). *Welfare Planning and Social Development*, 9(37), 1–25. <https://doi.org/10.22054/qjssd.2018.9895> (In Persian)
- Noorian, F., Ghazi, R., & Abdollahpour, S. (2020). Dimensions and strategies of the happy city in the neighborhoods of Mashhad (Case study: Tabarsi and Daneshgah neighborhoods). *Quarterly Journal of Urban Studies*, 9(36), 101–116. <https://doi.org/10.34785/J011.2021.919> (In Persian)
- OECD. (2024). *Life satisfaction – Society at a glance 2024: OECD social indicators*. <https://doi.org/10.1787/918d8db3-en>
- Orki, P., Rezaei, M., Mobaraki, M., & Akbarian-Rounizi, S. (2019). Spatial analysis of factors affecting the happy city from the perspective of citizens (Case study: Yazd City). *Sustainable City*, 12(2), 19–39. <https://doi.org/10.22034/jsc.2019.189162.1038> (In Persian)
- Parashar, A., & Lakra, H. S. (2022). Saudi vision for a happy city: Analyzing architecture students' perspectives for Riyadh, Saudi Arabia. *Ekistics and The New Habitat*, 81(2), 52–68. <https://doi.org/10.53910/26531313-E2021812572>
- Reza Ali, M., Nazari, V., Gholami, M., & Samadian, M. (2021). Investigating the effective factors in creating a happy city (Case study: Hamadan City). *Journal of Geographical Survey of Space*, 11(39), 167–182. <https://doi.org/10.30488/gps.2020.208509.3135> (In Persian)
- Sajjadian, N., & Daman Bagh, S. (2021). Geographical analysis of the role of place on Ahvaz citizens' sense of vitality based on the happy city approach. *Urban Planning Geography Research*, 9(3), 761–799. <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2021.318477.1454> (In Persian)
- Samavati, S. (2022). Recognizing the concept of a happy city based on global experiences and documents. *Geospatial Research*, 6(2), 5–17. <https://sid.ir/paper/1030478/fa> (In Persian)
- Shahbazi, A., Ghanizadeh-Ghasemabadi, H., & Sargazi, Z. (2020). Evaluation and analysis of the components of a happy city in cities with a history of great calamity (Case study: Bam City). *Research and Urban Planning*, 11(41), 53–64. <http://noo.rs/i42hh> (In Persian)
- United Nations. (2018). *World happiness report 2018*. Sustainable Development Solutions Network. <https://worldhappiness.report/ed/2018/>
- Veenhoven, R. (2017). Happiness in cities. *International Journal of Happiness and Development*, 3(2), 101–117. <https://doi.org/10.1504/IJHD.2017.085470>
- World Happiness Report. (2025). *World happiness report 2025*. Sustainable Development Solutions Network. <https://www.undsn.org/resources/world-happiness-report-2025/>
- Xi, Y., Zhang, H., & Liu, M. (2023). The “happy river” concept: Exploring water quality and urban well-being in China. *Journal of Environmental Urbanism*, 36(2), 188–204.
- Zangiabadi, A., & Mirzaei, S. (2020). Explaining the effective factors for achieving a happy city in Shiraz metropolis. *Space Planning and Preparation*, 39(24), 65–102. <http://noo.rs/LM6yJ> (In Persian)